

ریسک تکرار جرم و تعیین پاسخ‌های اصلاح‌مدار در نظام‌های عدالت کیفری ایران و آمریکا

| یزدان صیقل* | استادیار گروه حقوق، دانشگاه غیرانتفاعی علامه محدث نوری، نور، ایران
| امیر ایرانی | دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز،
شیراز، ایران

| ناصر حجابریان | کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، معاونت قضایی دادگستری کل
استان خوزستان، اهواز، ایران

چکیده

با ورود اندیشه‌های کیفرشناختی نوین، توجه به کنترل بزهکاران جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. مهم‌ترین هدف این کیفرشناسی کاهش تکرار جرم از سوی بزهکاران است؛ ارزیابی ریسک محور نه تنها در رویکرد سختگیرانه و کنترل‌گرایی مشدد مؤثر بود، بلکه در افزایش دقت در تعیین و اعمال مجازات‌های اصلاح‌مدار ارفاق‌آمیز نیز تأثیر گذاشت و می‌توان توجه به آن را در شرایط صدور پاسخ‌های اصلاح‌مدار در نظام کیفری ایران و آمریکا مشهود یافت. با وجود این رویکرد تقنینی حقوق آمریکا با هدف تضمین صدور صحیح نهادهای اصلاح‌مدار و کاهش تکرار جرم، نسل‌های مختلفی را به عنوان ابزارهای سنجش احتمال تکرار جرم، به رسمیت شناخته است. لذا اینکه کنشگران مراحل مختلف قضایی چگونه و با بهره‌گیری از چه ابزارهایی در عین سنجش عدم تکرار جرم، نسبت به تعیین پاسخ‌های اصلاح‌مدار اقدام می‌کنند جهت‌گیری اساسی است. در این مقاله سعی می‌گردد تا پس از شناسایی ابزارهای ارزیابی ریسک تکرار جرم، به‌نحوه توسل آن‌ها در تمام مراحل دادرسی و چالش‌هایی که در این خصوص وجود دارند، پرداخته شود. در نهایت به نظر می‌رسد که در حقوق کیفری ایران ابزار ارزیابی ریسک تکرار جرم سنجش‌های بالینی مقامات قضایی و درک درونی

بی‌ضابطه از سوی آن‌هاست، در حالی که در حقوق کیفری آمریکا، بسته به نوع بزه‌کاران، مرحله دادرسی و مقام صادرکننده پاسخ اصلاح‌مدار، نوع ابزار ارزیابی و حتی مقام ارزیابی‌کننده متفاوت می‌باشد. همچنین، تأکید بر ارزیابی‌های آماری در کنار سنجش‌های بالینی نهادهای قضایی و پیراقضایی، در صدور پاسخ‌های اصلاح‌مدار اجتماعی جایگاه بسیار مهمی دارد.

واژگان کلیدی: مجازات اصلاح‌مدار، ابزار ارزیابی ریسک، اصول و مراحل ارزیابی، کیفرشناسی نو، مؤلفه‌های ریسک

مقدمه

در طی سال‌های گذشته، ارزیابی ریسک جرم از استفاده صرف از تصمیمات مبتنی بر ادراک درونی در رابطه با اینکه چه کسی احتمالاً مرتکب تکرار جرم می‌شود، به‌سوی استفاده از ابزارهای مرتبط با رفتار گذشته فرد (شاخص‌های ایستا)^۱ و نیز مواردی تکامل یافته، که اکنون آن‌ها را ارزیابی‌های نسل چهارم^۲ می‌نامند، سوق یافته است. این ابزارها، با ترکیب عوامل ایستا و پویا (متغیر) سعی در ارائه پیش‌بینی دقیق‌تری در رابطه با سنجش ریسک تکرار جرم دارد. آن‌ها نیازهای جرم‌زا و یا عوامل جرم‌زا را لحاظ می‌کنند و به همین دلیل، از نتایج آن‌ها می‌توان در هریک از برنامه‌های اصلاح‌مدار و اندازه‌گیری میزان موفقیت در کاهش ریسک تکرار جرم استفاده نمود (Bonta and Wormith, 2006: 14). از جمله بسترهای مهم طرح ابزارهای ارزیابی در حقوق کیفری، کیفرشناسی نوین است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸؛ حسینی، ساعدی و صادقی، ۱۳۹۲) و جهت‌گیری مقاله حاضر در بررسی ابزارهای ارزیابی نیز با نگاهی کیفرشناسانه صورت می‌گیرد.^۳

1. Static indicators

2. Fourth generation assessments

منظور از ارزیابی نسل چهارم اعمال مدیریت بر هر پرونده از طریق ارزیابی ریسک و نیاز (Case management through Risk and Need Assessment) بزه‌کار است. لازم به ذکر است که منظور از نسل اول ارزیابی ریسک به ارزیابی بالینی (Clinical Assessment) اشاره دارد. این ارزیابی به طور خاصی بر قضاوت حرفه‌ای مقام قضایی متکی است. همچنین منظور از نسل دوم ارزیابی ریسک، ارزیابی سنجشی (Actuarial Risk Assessments) از ریسک است. نسل سوم از ارزیابی ریسک به ارزیابی ای اطلاق می‌شود که معیارهای پویا را وارد سنجش خود ساخته است. به تعبیری دقیق‌تر از آن در قالب ریسک سنجشی یا عوامل پویای ریسک (Dynamic Risk (Needs) Actuarial Risk and) یاد می‌شود. (Edward J. Latessa and Brian Lovins, 2014)

۳. البته برخی از مؤلفه‌های این موضوع را می‌توان در مباحث سیاست جنایی (پاک‌نهاد، ۱۳۹۴؛ اومالی، ۱۳۹۲)، بازشناسی حالت خطرناک بزه‌کاران (رضوانی، ۱۳۹۶) مرتبط یافت. با این وجود در هیچ‌کدام تحلیل نظام‌مند ابزارهای ارزیابی ریسک تکرار جرم مدنظر نبوده است.

یکی از عوامل مؤثر در تعیین برنامه‌ها و پاسخ‌های اصلاحی کارآمد^۱، اتخاذ ابزاری معتبر در ارزیابی ریسک است. در ابتدا شدت و اهمیت جرم به تعیین پاسخ‌های اصلاحی جهت می‌داد و صرف ارتکاب برخی جرایم موجب تعیین رویکرد قضایی-قانونی حاکم بر نوع مجازات بود. به عنوان مثال محرومیت‌های مقرر در ماده ۴۷ از قانون مجازات اسلامی مصدافی از توجه به جدی بودن جرم محسوب می‌شود. یا به موجب ماده ۲۵ از آیین‌نامه کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات مصوب ۱۳۸۷ با تصریح به برخی جرایم آن‌ها را از نهادهای ارفاقی اصلاح‌مدار به طور کلی حذف نموده است: «موارد زیر مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات نمی‌شود: ۱. قاچاقچیان حرفه‌ای مواد مخدر ۲. مواردی که مجازات آن حق الناس است مانند قصاص ۳. سرقت مسلحانه ۴. تجاوز و زنا به عنف ۵. مصادیق مهم جرایمی از قبیل جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشاء و آدم‌ربایی ۶. محکومان به جرایم مستوجب حدشرعی اعدام و رجم که با شهادت شهود اثبات شده باشد...». همین رویه در کنترل بزهکاران و نظارت بر آن‌ها به عنوان مجرمان خطرناک در بند چ از ماده ۱ دستورالعمل اجرایی «کنترل مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار» مصوب ۱۳۹۷ جرایم مهم به‌کار رفته است: «عبارتند از: جرایم حدی مستوجب سلب حیات، قتل عمد، نزاع دسته‌جمعی مسلحانه، جرایم عمدی علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، آدم‌ربایی، جرایم سازمان‌یافته، تجاوز به عنف، دایر کردن مرکز فساد و فحشا، اسیدپاشی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، راهزنی، سرقت به عنف، کیف‌زنی، جعل، کلاهبرداری، قاچاق مسلحانه یا عمده مواد مخدر و روان‌گردان و کالای ممنوع و سلاح و مهمات، قاچاق انسان»

اما امروزه، عوامل ریسک بزهکارمحور و نیازهای بزهکار و بزه‌دیده نیز اهمیت یافته‌اند؛ رویکردی که در حقوق آمریکا بسیار پررنگ است. لذا سطح ریسک بزهکار به اولین ملاحظه‌ای^۲

۱. در همین راستا بایستی اشاره نمود که در سال ۲۰۱۰ خانم چریل لرو جانسون (Cheryl Lero Jonson) در رساله دوره دکتری خود در دانشگاه سینسیناتی (University of Cincinnati) ایالت اوهایو آمریکا، با اتخاذ روش فراتحلیل (Meta-Analysis) به بررسی میزان اثربخشی مجازات حبس بر تکرار جرم پرداخته شده است. در این پژوهش پس از بررسی بیش از ۳۰۰ پژوهش مرتبط با مجازات حبس و پس از آن تحلیل و تمرکز بر حدود ۸۵ پژوهش علمی در ارتباط با بحث تکرار جرم در ایالات متحده آمریکا، به این نتیجه رسیده است که دلایلی مبنی بر اثربخشی حبس بر کاهش تکرار جرم وجود ندارد و به نظر می‌رسد که اعمال جایگزین‌های حبس مناسب‌تر باشد (Lero Jonson, 2010).

2. Primary consideration

تبدیل شده است که باید در راستای درمان بزهکاری و تأمین امنیت^۱ از آن استفاده و نسبت به ارزیابی آن تلاش نمود. با بررسی نظام عدالت کیفری آمریکا می‌توان دریافت که سازمان‌ها و کنشگران پیراکیفری، به‌موجب یک ساختار مبتنی بر ریسک، نیاز و تعیین پاسخ^۲ عمل می‌کنند و در این راستا حقوق این کشور پیشرفت قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است.^۳ در حقوق آمریکا، نهادهای متولی پاسخ‌های اصلاح‌مدار، از قبیل انجمن حرفه‌ای‌های عدالت اجتماعی آمریکا؛ انجمن تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط آمریکا و انجمن بین‌المللی اصلاحات اجتماعی^۴ استفاده از ارزیابی ریسک در کنار تصمیمات مربوط به دسته‌بندی و ارائه فعالیت‌های مبتنی بر شواهد را مورد تأیید قرار داده‌اند. اما در حقوق کیفری ایران، علی‌رغم اینکه هدف از تعیین پاسخ‌های اصلاح‌مدار کاهش تکرار جرم است اما راهکارهای سنجش ریسک تکرار جرم و عدم آن در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مغفول مانده است و این ارزیابی‌ها تماماً به سنجش‌های بالینی مقام قضایی مرتبط‌اند و این مقام‌ها با ابزارهای سنجش ناآشنا بوده و به تنهایی نیز نمی‌توان انتظار تحقق اهداف برخاسته از این سنجش‌ها را محقق دانست. از همین رو، بازشناسی اینکه این ابزارها خود از چه مصادیق و چالش‌هایی برخوردار هستند و نیز نظام عدالت کیفری ایران در چه جایگاهی از کیفرشناسی مبتنی بر سنجش ریسک قرار دارد، مهم است. بنابراین، این مقاله به منظور شناسایی تأثیر ارزیابی ریسک بر روی نهادها و پاسخ‌های اصلاح‌مدار، ابتدائاً به موضوع ارزیابی ریسک و سپس پیشینه این ارزیابی و متعاقباً با اشاره به مراحل ارزیابی ریسک، تبیین اصول این ارزیابی را مدنظر قرار می‌دهد. در نهایت به چالش‌های نظری و عملی این ارزیابی و سپس موانع قابل‌تصور در مسیر آن می‌پردازد، تا از خلال آن‌ها به توصیه‌هایی عملی در رابطه با ارزیابی ریسک و استفاده از تجربیات حقوق آمریکا در تعیین پاسخ‌های اصلاح‌مدار در حقوق کیفری ایران دست یافت.

۱. مُراد از تغییر گفتمان کیفری، دغدغه کیفرشناختی قدیمی در رابطه با اخلاق و تسهیم گناه را با تأکید جدید بر روی ریسک و امنیت جایگزین کرده است (اس.ریگاکاس، ۱۳۹۱). محوریت و تأثیرگذار بودن امنیت در جامعه‌ی مخاطره آمیز باعث شده است که با استفاده از راهبردی افتراقی، بزهکاران مزمن با سازوکارهای کیفری و افراد خطرناک با سازوکارهای جرم شناختی پیشگیری وضعی از جامعه طرد شوند. برای مطالعه بیشتر نک: آقابابایی، ۱۳۹۱ و مهدوی‌پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۳: ۱۵۹.

2. Risk, Need, and Responsivity (RNR)

۳. در کشور انگلستان نیز ارزیابی ریسک عموماً با عنوان سیستم یا نظام ارزیابی بزهکار (Offender Assessment system (OASys) قابل شناسایی است.

4. American Association of Community Justice Professionals, American Probation and Parole Association, and the International Community Corrections Association

۱. ابزارهای ارزیابی ریسک و موضوع آن‌ها

سه روش اولیه برای ارزیابی بزهکاران عبارت از روش‌های قضاوت بالینی، قضاوت ساختارمند حرفه‌ای^۱ و روش‌های آماری است. قضاوت بالینی فرآیندی بوده که در آن یک شخص، اطلاعات را جمع‌آوری کرده و تصمیماتی را در رابطه با ریسک بر مبنای حس درونی^۲ یا به صورت شهودی^۳، اتخاذ می‌کند (Borum and Douglas, 2003: 65). ابزار مبتنی بر قضاوت حرفه‌ای ساختارمند به کنشگران حرفه‌ای کمک می‌کند تا اقدام مناسب در کاهش تکرار جرم از سوی بزهکار را شناسایی کنند؛ البته این امر لزوماً به معنی پیش‌بینی این نیست که کدام بزهکار مرتکب تکرار جرم خواهد شد. علاوه بر این، ابزارهایی که بر مبنای قضاوت حرفه‌ای ساختارمند ایجاد شده‌اند، دسته‌بندی شده نیستند و در این رویکرد هیچ راه سریع یا یک نمره ترکیبی نهایی برای سنجش ریسک پیشنهاد نشد اما در عوض، این ابزار حوزه‌بندی خاصی را معرفی می‌کند که در آن، ارزیاب می‌تواند بزهکار را بر مبنای سطوح پایین، متوسط و بالای ریسک رتبه‌بندی کند. یک نمونه از این قضاوت در حقوق آمریکا، ارزیابی نظام‌مند ریسک خشونت در میان نوجوانان^۴ (SAVRY) است که عوامل استاندارد شده سنجش ریسک را در کنار این قضاوت در خود دارد. در این ابزار، یک نوجوانان بر اساس ۲۴ شاخص ارزیابی و مشخص می‌گردد که او در هر شاخص در کدام‌یک از سطوح پایین، متوسط و بالای ریسک قرار دارد.^۵ در حقوق ایران می‌توان به عنوان آغاز آزمایشی ارزیابی نظام‌مند ریسک تکرار جرم، از این روش در تعیین پاسخ‌های اصلاح‌مدار ناظر به اطفال و نوجوانان استفاده نمود. روش سوم در اجرای ارزیابی ریسک، روش آماری/تخمینی/سنجشی^۶ است. ارزیابی ریسک آماری، شبیه به همان رویکردی است که شرکت‌های بیمه برای محاسبه نرخ‌های بیمه از آن استفاده می‌کنند. به صورتی مشابه، بزهکاری که از مواد مخدر استفاده کرده و بیکار است، دارای احتمال بیشتری در راستای تکرار جرم در مقایسه با کسی است که از مواد مخدر استفاده نمی‌کند و یک شغل ثابت دارد.

در کنار روش‌های ارزیابی فوق، سه نوع دیگر از ارزیابی‌های جدید از ریسک نیز وجود دارند. مورد اول ابزارهای غربالگری^۷ است که هدف آن ارزیابی ریسک در یک گروه جمعیتی گسترده است، در این روش از طریق دسته‌بندی سریع بزهکاران در دسته‌های ریسک، نتیجه پیش‌بینی می‌شود. فراتر

1. Structured Professional Judgment

2. Gut feelings

3. Intuition

4. Structured Assessment of Violence Risk in Youth (SAVRY)

۵. این ابزار، ضرایب همبستگی آماری را نیز در خورد دارد و نتیجه آماری تعیین‌کننده آن است.

6. Actuarial method

7. Screening instruments

از ابزارهای غربالگری، ارزیابی جامع ریسک/ نیاز^۱، به منظور جمع‌آوری داده‌های کامل‌تری در راستای کمک به طبقه‌بندی سطح ریسک بزهکاران، طراحی شده است. این ارزیابی به آموزش‌های تخصصی نیازمند است و می‌تواند به منظور شناسایی بزهکاران در معرفی تدابیر درمانی استفاده شود. این ابزارها شامل طیفی از عوامل پویا است و اگرچه بسیار زمان‌بر است اما می‌تواند برای ارزیابی دوباره بزهکاران به کار گرفته شود. ابزارهای ترکیبی ریسک^۲ نیز می‌توانند برای ایجاد برنامه‌های موردی به منظور تضمین مدنظر قرار دادن علل وقوع جرم و نیازهای بزهکار در برنامه‌ریزی‌ها، مورد استفاده قرار گیرند (Latessa, Lowenkamp, 2005a: 12).

در بسیاری از حوزه‌های قضایی آمریکا در مراحل مختلف دادرسی از هر سه نوع ارزیابی‌های نوین استفاده می‌شود. ابزار غربالگری می‌تواند در مرحله پیش از محاکمه یا ارزیابی بزهکاران در مرحله ورود به دادرسی کیفری استفاده شود تا تعیین نماید که چه کسانی به ارزیابی بیشتر نیاز دارند. برای آن دسته از بزهکارانی که فرآیند رسیدگی و صدور حکم نسبت به آنان در جریان است، می‌توان از ابزار ارزیابی جامع‌تری استفاده نمود. زمانی که این ارزیابی بر مبنای یک ابزار ترکیبی ریسک صورت گرفت، ارزیابی تخصصی‌تر را باید بر حسب نیاز، تجویز نمود (Flores and et al, 2005). استفاده از این رویکرد افتراقی در ارزیابی ریسک، می‌تواند کارآمدی این ارزیابی‌ها را افزایش دهد؛ زیرا فقط آن دسته از بزهکارانی مشمول ارزیابی جامع قرار می‌گیرند که ریسک تکرار جرم از سوی آنان بیشتر باشد. بنابراین با عطف توجه به ابزارهای مختلف ارزیابی ریسک، در حقوق کیفری ایران بهره‌گیری از ابزاری که به نظر قابل‌اعمال‌تر می‌باشد، توصیه می‌گردد. به علاوه پس از تعیین کارشناسی ابزار مناسب، می‌توان رویکرد افتراقی سنجش ریسک را نیز اتخاذ نمود که بسته به مرحله دادرسی و میزان ریسک بزهکار، نوع ابزار ارزیابی متغیر و متفاوت باشد.

حال اینکه در ارزیابی‌های ریسک، در اندازه‌گیری‌ها محوریت دارد؟ به اعتقاد برخی، مفهوم ریسک با جدی بودن جرم مرتبط است (Latessa and Lovins, 2016: 4457). در قالب اعتقاد دوم، به نظر اکثر نویسندگان حقوق کیفری، ریسک بیشتر به احتمال تکرار جرم ارتباط دارد و نه جدی بودن جرم. در قالب این نظر، بزهکار با سطح ریسک پایین، شخصی است که احتمال ارتکاب یک جرم جدید از سوی او نسبتاً پایین است و وضعیت ضد اجتماعی ندارد.

در حقوق کیفری ایران نیز با بررسی نهادهای اصلاح‌مدار و ارفاق‌آمیز می‌توان نوعی از گرایش به سنجش ریسک را مشاهده نمود. اما آیا در موضوع سنجش ریسک ملاک نوع جرم است یا احتمال

1. Comprehensive risk/need assessments
2. Composite risk assessments

تکرار جرم؟ قانون‌گذار عمدتاً به نوع جرم به عنوان موضوع و یا به تعبیری دقیق‌تر معیاری برای شناسایی ریسک توجه کرده است. نتیجه توجه به نوع جرم در حقوق ایران و آمریکا جایگاه‌بخشی به ارفاق در فرایندها و تصمیمات قضایی است؛ بدین معنا که اگر جرم در درجه پایینی باشد، مشمول برخی نهادهای ارفاق‌آمیز می‌شود و در غیر این صورت، از این نهادها مستثنا می‌گردد. در این خصوص می‌توان از نهاد قرار بایگانی پرونده یا تعلیق تعقیب (مواد ۸۰ و ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری) یاد کرد که به صرف درجه خاصی مقام قضایی می‌تواند از جایگزین تعقیب استفاده کند. در مواردی نیز می‌توان دریافت که مقنن علاوه بر توجه به شدت جرم، به لزوم مؤثر بودن آن نهاد اصلاح‌مدار در اصلاح و تکرار جرم نیز نظر داشته است. به عنوان مثال در ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است که: «در جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود...». یا آنکه در بند الف ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی که هم^۱ در تعویق ساده و هم در تعویق مراقبتی باید رعایت گردد، چنین بیان شده است که: «در تعویق ساده مرتکب به طور کتبی متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب نمی‌شود». در نهاد اصلاح‌مداری مانند آزادی مشروط نیز مقنن بر این امر تأکید دارد، به موجب بند ب از ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی: «حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود» در این صورت توجه به ارزیابی و توجیه شدن مقام قضایی به صدور این‌گونه نهادها در بستر ابزارهایی که ارزیابی را ممکن می‌سازند نیاز است. همچنین در بند ت ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم پیش‌بینی شده است و این امر نشان می‌دهد که مقنن حتی نسبت به اشخاص طفل و نوجوان نیز بر لزوم سنجش تکرار جرم و تأکید بر اصلاح بزهکار تأکید دارد.

بنابراین، رویکرد غالب حقوق کیفری آمریکا تأکید بر سنجش تکرار جرم است ولی در حقوق ایران در کنار سنجش تکرار جرم، نوع جرم و خصوصیات بالینی شخص بزهکار نیز مدنظر می‌باشند. در شخص موضوع ارزیابی محدودیتی وجود ندارد، بلکه نوع پاسخ اصلاح‌مدار است که تعیین می‌کند که آیا در جرم خاص و شخص خاص باید به سنجش ریسک متوسل شد یا خیر؟ در حقوق ایران نهادهای پیش‌دادرسی با عنوان جایگزین‌های تعقیب، قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی،

۱. بند ب ماده ۴۰ نیز پیش‌بینی اصلاح مرتکب را مورد تأکید قرار داده است که به نظر ما روی دیگر عدم تکرار جرم است.

نهادهای دادرسی معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، اقدامات تأمینی و تربیتی ناظر به اطفال و نوجوانان و تا حدودی نیز جایگزین‌های حبس^۱، سنجش ریسک تکرار جرم به طور غیرمستقیم مورد نظر مقنن قرار گرفته است. در مواردی نیز، تکرار جرم و تعدد جرم باعث محرومیت از پاسخ‌های اصلاح مدار می‌گردد^۲. با وجود پیش‌بینی کاهش تکرار جرم در متون قانونی، ولی به نظر می‌رسد که تا زمانی که ابزار این ارزیابی‌ها مشخص نشود و نیز سیاست جنایی قضایی به این تدابیر ارزیابی مجهز نشود، حرکت قانون‌گذار در کاهش تکرار جرم بی‌نتیجه خواهد بود و همچنین فقدان این ارزیابی‌ها به بی‌ضابطگی قضایی دامن می‌زند.

۲. اصول سه‌گانه ارزیابی ریسک^۳

چنانچه مقام‌های قضایی ذی‌صلاح بخواهند از ارزیابی‌های ریسک در تصمیم‌گیری خود استفاده کنند، بایستی به اصولی پایبند باشند و بدانند که چگونه از نتایج به‌دست آمده از ارزیابی‌ها در تعیین پاسخ‌های اصلاحی و اجتماع‌مدار استفاده کنند. در حقوق آمریکا مهم‌ترین اصول شناسایی شده اصول سه‌گانه ریسک، نیاز و پاسخ هستند. این اصول زمینه‌ای را فراهم می‌سازند که از طریق آن‌ها می‌توان با انطباق نوع پاسخ مبتنی بر اصلاح، بهترین پاسخ را تعیین نمود. این اصول سه‌گانه به عنوان روشی مهم در کاهش تکرار جرم در این کشور قلمداد می‌شوند (Pamela and et al, 2011: 5)؛ ملاحظه مهمی که استفاده از آن در حقوق کیفری ایران به منظور نظام‌مند نمودن صدور پاسخ‌های اصلاح‌مدار اجتماعی و نیز کاهش تکرار جرم در میان محکومان مشمول این پاسخ‌ها را بسیار ضروری می‌سازد. این مدل ارزیابی ریسک بر سه اصل اساسی مبتنی است: ارزیابی و سنجش ریسک، مدنظر قرار دادن نیازهای جرم‌زا، و در نهایت تعیین مجازاتی که پاسخ‌گوی توانایی مجرم و سبک یادگیری وی باشد.^۴ این اصول با تأکید بر توان‌بخشی در صدد تعیین بالاترین کیفیت و

۱. چراکه در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی بیان شده است که جایگزین‌های حبس «با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم» صادر می‌گردد.

۲. به موجب ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده است که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می‌کند.»

3. Risk-Needs-Responsivity (RNR) Principles

۴. البته به اعتقاد برخی از نویسندگان در نظام عدالت کیفری آمریکا می‌تواند هسته‌های دیگری را قرین این اصول سه‌گانه دانست و یا به عنوان مؤلفه‌هایی برای این اصول سه‌گانه مدنظر قرار داد. به عنوان مثال، ارائه خدمات از سوی بزه‌کار در جهت احترام به مردم، تدوین برنامه بر اساس نظریه‌های روان‌شناختی، کاهش بزه‌دیدگی، ارائه خدمات

مناسب‌ترین برنامه اصلاح‌مدار است (Taxman and Pattavina, 2013:V). امروزه این اصول سه‌گانه به یکی از جامع‌ترین ابزارهای ارزیابی در تعیین پاسخ و تدبیر متناسب با جرم بزهکار تبدیل شده است؛ چراکه با اتخاذ رویه‌های ادله‌محور^۱ از جامع بودن ویژه‌ای برخوردار است.^۲ به علاوه این مدل سه‌گانه‌ای که اختصاراً RNR نامیده می‌شود، بر روان‌شناختی اجتماعی ارتکاب رفتارهای مجرمانه و شناخت عوامل وضعی و اجتماعی تأکید دارند (Cullen and Lero Jonson, 2011: 319). در ادامه با تبیین این سه اصل مهم در حقوق کیفری آمریکا، امکان بهره‌گیری از آن‌ها در حقوق کیفری ایران نیز تبیین می‌گردد.

۲-۱. اصل تخمین و سنجش ریسک

اصل ریسک را می‌توان به عنوان یک اصل راهنما برای کنشگران قضایی و پیراقضایی مرتبط با حوزه اصلاح بزهکار معرفی نمود. به موجب این اصل مشخص می‌شود که با توجه به شرایط بزهکاران، بهترین مجازات اصلاح‌مدار کدام است. این اصل به دو بُعد راهبردی پایبند است: اولاً اینکه، رفتار مجرمانه قابل‌پیش‌بینی است و ثانیاً، دامنه پاسخ اصلاح‌مدار و درمانی باید با سطح ریسک بزهکار منطبق گردد. به موجب این اصل، بزهکاران دارای ریسک بالا باید مشمول تدابیر شدید و بزهکاران دارای ریسک پایین باید موضوع پاسخ‌های سبک قرار گیرند و یا حتی از پاسخ معاف شوند. برخی بر این نظرند که باید نسبت به بزهکارانی با احتمال بالای تکرار جرم از پاسخ‌های اصلاحی اجتماع‌مدار با بالاترین سطح نظارت استفاده کرد و از مختل نمودن زندگی بزهکارانی که در سطح پایین ریسک قرار دارند، اجتناب کرد (Andrews DA and Bonta and Hoge, 1990: 46). هرچند که غالباً این امر نادیده گرفته شده، اما ثابت شده است که آن دسته از پاسخ‌های اصلاح‌مداری که با توجه به اصل ریسک صادر می‌شوند، کاهش قابل توجهی را در تکرار جرم به وجود آورده‌اند (Latessa, Brusman, Smith, 2010: 60). مهم‌ترین نکته در اصل ریسک، این واقعیت است که فراهم ساختن پاسخ‌های شدید برای بزهکاران با سطح ریسک پایین می‌تواند احتمال شکست برنامه‌های اصلاح‌مدار را افزایش دهد (Lowenkamp and Latessa, 2004: 45). بر اساس یکی از تحقیقات میدانی در سال ۲۰۰۷ در

اجتماعی به منظور کاهش تکرار جرم، توجه به دیگر نیازهایی که لزوماً جرم‌زا نیستند، ترجیح خدمات اجتماعی و ... (Andrews and James Bonta, 2010).

1. Evidence-based practices

۲. لازم به ذکر است که دیگر نظریه‌ها بر رفتار اجتماعی و علل اجتماعی رفتار مجرمانه تأکید دارند، که به اعتقاد بسیاری از نویسندگان، این تأکید به تنهایی نمی‌تواند یک درمان کامل را برای بزهکار به ارمغان آورد (James, Nathan, 2015: 5).

آمریکا (Andrews and Dowden, 2007: 439-464) اعمال پاسخ‌های شدید به طور یکسان نسبت به بزهکاران با سطح ریسک بالا و پایین، میان بزهکاران دارای سطح پایین ریسک افزایش تکرار جرم را به همراه خواهد داشت. به این دلیل که معاشرت با بزهکاران دارای ریسک بالا و شمول برنامه‌های اقامتی و زندان‌ها در واقع زندگی آنان را دچار اختلال می‌نماید (Lowenkamp and et al, 2006: 7). بنابراین، باید بزهکاران با ریسک پایین را از پاسخ‌های اصلاحی شدید، مستثنا نمود. به منظور تحقق اصل ریسک در نظام عدالت کیفری، باید ابتدائاً بزهکاران مورد ارزیابی قرار گیرند و سپس برنامه مقتضی را با توجه به سطح ریسک آنان تعیین نمود. اگر این امر نادیده گرفته شود، نتایج فاجعه‌باری بدست خواهند آمد. این مسئله در تحقیقی در که سال ۲۰۱۰ و در اوهایو آمریکا انجام گرفته اثبات شد (Latessa, Brusman, Smith, 2010: 67).

لزوم اطمینان به عدم تکرار جرم و نیز اصلاح مجرم، در نهادهای مختلفی از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. به عنوان مثال، در قسمت اخیر از ماده ۲۴ این قانون، اطمینان به عدم تکرار جرم، باعث لغو یا کاهش مدت مجازات تکمیلی می‌شود: «دادگاه می‌تواند با پیشنهاد قاضی اجرای حکم در صورت اطمینان به عدم تکرار جرم و اصلاح مجرم، نسبت به لغو یا کاهش مدت زمان مجازات تکمیلی وی اقدام کند». مجازات تکمیلی با توجه به دستورات حین آن، نوعی پاسخ اصلاح‌مدار است که از جمله اهداف مهم آن، کاهش تکرار جرم است. اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم در تعویق صدور حکم و نیز تعلیق اجرای مجازات، و نیز تعهد کتبی به عدم تکرار جرم به موجب ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نسبت به اطفال و نوجوانان، نوعی تأکید بر سنجش درجه ریسک مرتکب می‌باشد. بنابراین، ضرورت توجه به درجه ریسک ارزیابی شده بزهکار، نقطه آغاز فرآیند صدور این پاسخ‌های اصلاح‌مدار در فرآیند قضایی است.

۲-۲. اصل نیاز (مدنظر قرار دادن نیازهای جرم‌زا)

به موجب این اصل، اگر نظام عدالت کیفری از طریق اعمال پاسخ‌های اصلاح‌مدار در پی کاهش تکرار جرم باشد، باید در حین ارزیابی، به برخی از نیازهای بزهکار نیز توجه نماید. این نیازها که از آن‌ها تحت عنوان نیازهای جرم‌زا یاد می‌شود، ارتباط زیادی با رفتار مجرمانه و کاهش تکرار آن دارند. در تحقیق اندروز، بوتنا، چندرا و دیگران، در آمریکا هفت نیاز جرم‌زا به این شکل شناسایی شد: ۱. نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید ضداجتماعی و بزهکارانه، ۲. همگنان دارای سابقه کیفری و فقدان دوستان اجتماعی، ۳. خُلق و خوی ضد اجتماعی، ۴. خانواده، ۵. آموزش، اشتغال و تأمین مالی، ۶. سرگرمی‌های محدود اجتماعی، ۷. مصرف مواد مخدر (ماری، ۱۳۸۳: ۳۴۳-۳۴۲). هرچند که

اکثر ارزیابی‌های نسل سوم^۱ و چهارم ریسک، دربردارنده هر دو عوامل ایستا و پویا بوده، اما اصل نیاز به صورتی بیشتر، عوامل پویا را مدنظر قرار داده است. معیارهای پویا، مانند اینکه بزهکار چه کسانی را برای گذراندن وقت فراغت انتخاب می‌کند؛ نیز نگرش‌ها و ارزش‌های او در رابطه با جرم؛ فقدان مهارت‌های حل مشکل و... می‌باشند. همه این عوامل از چندین دهه پژوهش به دست آمده و با تکرار جرم، ارتباط و همبستگی مستقیمی دارند. همان گونه که گفته شد، گاه از این عوامل پویا تحت عنوان نیازهای جرم‌زا یاد می‌شود: یعنی عوامل تولیدکننده جرم که به صورتی قوی با ریسک تکرار جرم همبستگی دارند. ترکیب عوامل ایستا و پویا با یکدیگر ارائه‌دهنده بهترین تصویر از ریسک کلی تکرار جرم است و مؤثرین روش برای کاهش آن تلقی می‌گردد (Latessa and Lowenkamp, 2005b: 34). در این اصل شناسایی نیازهای جرم‌زا، بخشی مهم از ارزیابی ریسک بزهکاری مجدد است، زیرا به ما می‌گوید: برای کاهش ریسک تکرار جرم، بر روی «چه چیزی» باید متمرکز شویم. توجه به این اصل در حقوق کیفری ایران، مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. این درحالی است که صدور این پاسخ‌های اصلاح‌مدار و دستورات حین آن‌ها، مستلزم توجه به نیازهای جرم‌زای بزهکاران است. به عنوان مثال، صدور نهادهای مانند خدمات عمومی رایگان در ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی یا جزای نقدی روزانه به استناد ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی، می‌توانست به بیکار بودن شخص بزهکار وابسته باشد و با این الزام به کار، احتمال تکرار جرم به حداقل می‌رسید.

۳-۲. اصل تعیین پاسخ متناسب^۲

به موجب این اصل، نوع، میزان و نحوه مجازات اصلاح‌مدار را باید بر مبنای خصوصیات مختلف بزهکار مانند فرهنگ، جنسیت، سلامت روانی یا قابلیت یادگیری بزهکار تعیین نمود. اگرچه این انطباق در تعیین پاسخ، شاید ریسک را کاهش ندهد، اما احتمال موفقیت در پاسخ‌های اصلاحی و اجتماعی را افزایش خواهد داد. یکی از محدودیت‌های موجود در تعیین پاسخ‌های اصلاح‌مدار، امکان ارائه خدمات بر مبنای نیازهای فردی بزهکار می‌باشد. به موجب این اصل در حقوق کیفری آمریکا، حتی نمی‌توان پاسخ‌های اصلاح‌مدار را بر همه بزهکاران دارای خصوصیات کلی مشابه به یک شکل اعمال نمود. این نکته عملی نیز باید در حقوق کیفری ایران مدنظر قرار گیرد که اتکای نظام عدالت کیفری بر پاسخ‌ها و تدابیر یکسان بر بزهکاران دارای خصوصیات متفاوت، مانعی را در راستای تضمین فردی کردن مجازات‌ها و کاهش تکرار جرم ایجاد خواهد کرد. بنابراین خصوصیات شخصی ویژه‌ای در هر

۱. همان طور که پیش از این اشاره شد منظور از نسل سوم اضافه عوامل و معیارهای پویا به ارزیابی ریسک بزهکار است. هدف از این افزایش معیارهای پویا افزایش امکان انطباق پاسخ اصلاح‌مدار به نیازهای بزهکار است.

۲. تعیین پاسخی درمانی که خود پاسخ‌گوی توانایی مجرم و سبک یادگیری وی باشد.

فرد وجود دارد که باید مورد ارزیابی قرار گیرند (مانند مشکلات شناختی). زیرا این عوامل مشارکت آن‌ها در اهداف درمانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ارزیابی و در نظر گرفتن این خصوصیات غالباً می‌تواند از طریق یک برنامه‌ریزی موردی، تعیین یک مجازات اصلاح‌مدار مناسب برای بزهکار را تضمین نماید و بر روی کارآمدی کلی درمان و اصلاح و کاهش تکرار جرم مؤثر واقع شود.

در حقوق کیفری ایران در موارد بسیاری بر تعیین کیفر متناسب با شخصیت مجرم و گاه خصوصیات وی تأکید شده است، بی‌آنکه برای سنجش این تناسب ابزار و یا روشی پیشنهاد شده باشد. به عنوان مثال در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی و در بحث مجازات تکمیلی بدین نحو اشاره شده است: «دادگاه می‌تواند... متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی محکوم نماید». همچنین در ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی آمده است که: «دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند». به موجب ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی نیز «قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند». بنابراین، رویکرد غالب در تعیین پاسخ‌های اصلاح‌مدار تضمین اصل تناسب در مجازات است و این تضمین زمانی قابل تحقق خواهد بود که از شخص بزهکار ارزیابی کاملی صورت گرفته باشد؛ امری که در قانون بدون در نظر گرفتن سازوکار آن پیش‌بینی شده است. بنابراین، می‌توان دریافت که نتیجه به‌کارگیری اصل سوم، در حقوق کیفری ایران و آمریکا، به فردی‌سازی پاسخ اصلاح‌مدار در انطباق با ریسک و نیازهای جرم‌زای بزهکار منتهی خواهد شد.

۳. مراحل قضایی ارزیابی ریسک

با توجه به اینکه دامنه پاسخ‌های اصلاح‌مدار و اجتماعی در چهار مرحله پیش‌دادرسی^۱، دادرسی و تعیین حکم^۲، مرحله پس از آزادی در نتیجه پاسخ اصلاح‌مدار^۳ و نیز مرحله اجرای مجازات^۴ عموماً حبس^۴ مورد پیش‌بینی مقنن در ایران و آمریکا (Vera Institute of Justice's Center of Sentencing and Corrections, 2011: 9-11) قرار گرفته است، لازم است که ارزیابی ریسک در این مراحل نیز مدنظر قرار گیرد. باید توجه نمود که در حقوق کشورهای ایران و آمریکا، در مرحله پیش‌دادرسی مجال چندانی برای استفاده از ابزارهای ارزیابی فراهم نشده و مورد توجه سیاست‌گذاران نبوده است. این در

1. Pre-trial
2. Sentencing
3. Probation/Post-Release Supervision
4. Prison

حالی است که پیش‌بینی نهادهای جایگزین تعقیب و همچنین ضرورت توجیه توسل به قرار بازداشت موقت و نظارت قضایی می‌توانند به‌کارگیری ابزارهای ارزیابی را مهم و نیازمند پیش‌بینی قانونی و عملی نشان دهند. در ادامه به تفکیک این مراحل مؤلفه‌های ارزیابی ریسک تبیین می‌شوند.

۳-۱. مرحله دادرسی و تعیین مجازات اصلاح‌مدار

در این مرحله نیز ابزارهای ارزیابی ریسک به قاضی صادرکننده حکم در انتخاب میان مجازات حبس (برای مشاهده پیشنهاد تعیین سلب آزادی نسبت به مجرمان خطرناک نک: توجهی و ابراهیم‌وند، ۱۳۹۶: ۹۰-۴۱) یا مجازات اصلاح‌مدار و یا نظارت‌مدار اجتماعی^۱ و بررسی شرایط مقتضی صدور آن‌ها کمک می‌کنند. به عنوان مثال سنجش ریسک تکرار جرم می‌تواند در تعیین نوع تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات، به صورت ساده یا مراقبتی، یا تعلیق تمام یا قسمتی از مجازات مورد استفاده قرار بگیرد. حتی مهم‌تر اینکه این ارزیابی‌ها می‌تواند به تصمیم‌گیری و انتخاب نوع نهادهای اصلاح‌مدار، از قبیل تعویق، تعلیق، نیمه‌آزادی، آزادی مشروط، نظارت الکترونیکی یا جایگزین‌های حبس جهت دهد. به موجب ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی در رابطه با محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان یکی از انواع جایگزین‌های حبس (که البته عنوان دقیق‌تر آن مجازات‌های اجتماعی است، نک: آشوری، ۱۳۸۵: ۶)، «دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید». وضعیت محکوم واژه‌ای کلی است و جهت‌دهی آن با ابزارهای سنجش ریسک می‌تواند از بی‌ضابطگی قضایی در اتخاذ نوع پاسخ جلوگیری نماید. پاسخ‌های اصلاح‌مدار اجتماعی نیز برای بزهکاران نوجوان پیش‌بینی شده است، اما اینکه این پاسخ‌ها را با توجه به چه مؤلفه‌هایی باید صادر کرد خود به معنای استفاده از ابزارهای سنجش ریسک در کنار ارزیابی‌های بالینی مقام قضایی است. در تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی نیز صدور نهادهای اصلاح‌مدار اقامت در منزل و نگهداری پایان هفته‌ای در کانون و همچنین در ماده ۹۰ قانون مجازات اسلامی تبدیل در مقام تجدیدنظر از حکم نگهداری در کانون نوجوانان خود بسترهای بسیار مهمی را برای به‌کارگیری ابزارهای سنجش ریسک تکرار جرم، به‌ویژه اصول سه‌گانه فراهم ساخته است.

۳-۲. مرحله پس از آزادی در نتیجه پاسخ اصلاح‌مدار اجتماعی

اگر مقام قضایی پاسخ یک جرم را مجازاتی اجتماعی تعیین کند، همراه بودن نظارت و میزان آن با این مجازات‌ها و یا به عنوان قسمت مهمی از این پاسخ‌ها به میزان ریسک بزهکار بستگی دارد؛ امری که تعیین آن، بدون توسل به ابزار ارزیابی ریسک و ارزیابی‌های بالینی ممکن نخواهد بود. در حقوق

1. Community supervision

کیفری آمریکا، این ارزیابی در نهادهای پروبیشن در تعیین سه مورد نقش مهمی دارد: اولاً سطح نظارتی که یک بزهکار باید دریافت کند؛ ثانیاً توسعه برنامه مدیریت خاص و مجزای هر پرونده و رعایت اصل فردی کردن، آن هم با تأکید بر این امر که هر بزهکار در برنامه‌ای قرار گیرد که بتواند به کاهش تکرار جرم بزهکار منتهی گردد؛ ثالثاً تعیین ضمانت اجرا برای نقض شرایط حین آزادی. در حقوق ایران نیز می‌توان پس از آزادی نوعی از ارزیابی بالینی را در ماده ۸ از آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی بدین شکل مشاهده نمود: «پس از صدور حکم قطعی مبنی بر انجام خدمات عمومی رایگان و ارسال پرونده به اجرای احکام، قاضی اجرای احکام محل اجرای حکم با رعایت قانون و ماده (۴۹۵) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و در چهارچوب حکم صادر شده محکوم را به نهاد پذیرنده معرفی و بر نحوه اجرای حکم نظارت می‌نماید.» در حالی که یکی از اهداف الزام افراد به خدمات عمومی رایگان کاهش تکرار جرم در میان آن‌هاست، به همین دلیل لازم است تا در نظارت بر شخص موضوع این نهاد سنجش‌های ریسک‌محور مدنظر قرار گیرند. نظارت در حین اجرای تعویق مراقبتی خود یکی دیگر از ضرورت‌های توجه به ریسک تکرار جرم است، چراکه به نظر می‌رسد در قانون مجازات اسلامی نقض دستورات و یا تدابیر حین تعویق مراقبتی به معنای افزایش احتمال تکرار جرم است. همچنین بند ب از ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی، یکی از تدابیر الزامی حین تعویق مراقبتی را بدین نحو بیان کرده است: «ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی». اولاً اینکه، توسعه نظارت به دیگر اشخاص مانند مددکاران اجتماعی می‌تواند حاکی تقویت سیاست مشارکتی در نظارت مؤثر بر محکومان باشد. ثانیاً، ایفای وظیفه نظارت از سوی مددکار اجتماعی، بدون فراهم ساختن سنجش‌های تطبیق رفتار محکوم و نیز پیش‌بینی ابزارهای سنجش ریسک تکرار جرم، نه تنها این نظارت را از اهداف مورد انتظار دور خواهد ساخت، بلکه باعث می‌گردد که نظارت از یکپارچگی لازم برخوردار نباشد. به علاوه، در ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی نوعی توجه به سنجش ریسک را می‌توان مشاهده نمود: «پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.» سنجش ریسک در این ماده به مانند مواد اخیرالذکر، سنجش بالینی است، در حالی که به نظر می‌رسد، مستند کردن نظرات مددکاران اجتماعی به سنجش‌های آماری در کنار سنجش‌های بالینی، صدور حکم نهایی از سوی مقام قضایی را دقیق‌تر خواهد ساخت.

در مصادیق دیگری نیز می‌توان بسترهای توسل به ابزارهای سنجشی در جهت تعیین نظارت را فراهم یافت. تبصره ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در بحث نظارت الکترونیکی نیز بر نظارت آن

هم از طریق تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی تأکید شده است. یا به موجب تبصره ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی: «... قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید». همچنین به موجب نهاد دوره مراقبت در ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی، محکومیت به تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی از جمله بسترهایی است که در وسعت دایره صلاح‌دید مقام قضایی امکان استفاده از ابزارهای ارزیابی را فراهم می‌سازد. با توجه به حقوق آمریکا از جمله کارکردهای ابزارهای سنجشی تعیین نحوه نظارت استفاده از ابزار ریسک/نیاز، ریسک تکرار جرم و یا تکرار تخلف چگونه است. به طور کلی در تمام پاسخ‌های اصلاح‌مدار و توأم با دستورات و تعهدات اجتماع‌مدار که عامل مهم نظارت بر اشخاص هستند، مقام‌های اجرا و یا به طور کلی قضات اجرای احکام باید به ابزارهای سنجش ریسک تکرار جرم و یا احتمال تخلف از آن پاسخ‌ها مجهز باشند، تا بتوانند به مدد این ابزارها با تعیین دفعات و نحوه نظارت، در عین بررسی میزان اصلاح بزهکاران، میزان ریسک تکرار جرم را تخمین بزنند.

۳-۳. مرحله اجرای مجازات حبس

در حقوق آمریکا تعیین مجازات حبس برای بزهکار به معنای پایان ارزیابی ریسک نیست، بلکه کنشگران نهادهای اصلاحی نیز از ارزیابی ریسک به منظور تعیین میزان امنیت لازم برای آن شخص زندانی استفاده می‌کنند. در نتیجه این ارزیابی در نظام زندان‌های آمریکا یک زندانی بدین شکل طبقه‌بندی می‌شود: نیازمند امکان امنیتی بالا، متوسط، پایین یا بسیار کم.^۱ نکته جالب اینکه پیش از این در نظام سنتی آمریکا طبقه‌بندی زندانیان بر اساس ریسک و احتمال فرار آنان از زندان یا امکان مدیریت مشکلات^۲ صورت می‌گرفت و نه نیاز به تدابیر امنیتی. نکته دیگر اینکه در حقوق این کشور کاربرد دیگر ابزار ارزیابی تعیین این مؤلفه است که آیا می‌توان یک زندانی را مشمول تدابیر آزادی موقت از زندان نمود یا خیر. به نظر ما می‌توان در حقوق ایران در مرحله اجرای زندان هم در مدیریت درون زندان و هم نسبت به تعیین و پیشنهاد آزادی موقت زندانیان از سوی قضات اجرای مجازات‌ها و یا مقامات مربوط به امور آزادی زندانی^۳ در آمریکا توسل به سنجش‌های ریسک را مدنظر قرار داد. با دقت به شرایط اعطای مرخصی به زندانیان، در ماده ۲۱۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰، می‌توان نوعی توجه به ارزیابی ریسک را مشاهده نمود.

1. High, medium, low, or minimum security facility

2. Identify inmates who are at a high risk for escaping or who might be management problems.

3. Parole Boards and Releasing Authorities

این دیدگاه به‌ویژه با نظر به امتیازبندی ۲۹ گانه مقرر در این ماده تأیید می‌شود.^۱ همچنین سنجش ریسک از نوع بالینی در جهت شناخت شخصیت زندانیان در تبصره ۲ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌تواند به معنای لزوم به‌کارگیری ابزارهای ارزیابی‌ها و آزمون‌هایی باشد («... محکومان با توجه به نوع و مدت محکومیت، پیشینه و شخصیت‌شان، بر اساس تصمیم شورای طبقه بندی^۲ و تأیید قاضی اجرای احکام در یکی از بخش‌های فوق نگهداری می‌شوند». از یک طرف عملکرد شورای طبقه‌بندی و از طرفی دیگر جهت‌دهی تصمیم‌گیری قاضی اجرای احکام می‌تواند تحت تأثیر نتیجه ارزیابی ریسک قرار بگیرد.

نتیجه

فاصله گرفتن از اجرای عدالت به بهانه و توجیه مقابله با ریسک و کنترل جرم و تضمین امنیت جامعه، امر مطلوبی نیست و با بسیاری از دستاوردهای مهم حقوق بشری فاصله دارد. به علاوه نباید اجرای عدالت و احترام به تفاوت‌های هویتی افراد و حقوق بنیادین انسان‌ها را قربانی عدالت ریسک‌مدار و تضمین امنیت جامعه دانست. به همین دلیل ابزارهای ارزیابی ریسک به تدریج با معرفی اصول و روش‌هایی، در رابطه با مجازات به‌طور کلی و مجازات‌های اصلاح‌مدار به‌طور خاص، مورد پذیرش نظام عدالت کیفری آمریکا قرار گرفتند. حال آنکه در حقوق کیفری ایران، در بُعد پاسخ‌های اصلاح‌مدار، اگرچه صراحتاً به ابزارهای ارزیابی ریسک تکرار جرم اشاره‌ای نشده است، ولی در تعیین مجازات‌های اصلاح‌مدار مؤلفه‌هایی مانند جرم ارتكابی و خصوصیات وی، خود نوعی توجه به ریسک تکرار جرم است اما نحوه ارزیابی، ابزار و اصول آن نیز مشخص نیست. این درحالی است که در حال حاضر اصول سه‌گانه سنجش ریسک، شناسایی نیازهای جرم‌زا و نیز تعیین پاسخ متناسب مدنظر قرار بگیرد. در اصول اول و دوم، ابزارها کاربرد قابل‌توجهی دارند و به‌نحوی به تصمیمات مقام قضایی در اصل سوم کمک می‌کند. بنابراین این اصول سه‌گانه را باید بستری برای این ارزیابی‌ها قرار داد و سپس در هر کدام از آن‌ها به ابزار ارزیابی به‌طور ویژه پرداخت. حتی می‌توان به منظور مستندسازی ارزیابی‌ها نتایج آن‌ها را در پرونده شخصیت پیشنهاد نمود و از این حیث با تقویت بسترهای به‌کارگیری پرونده شخصیت جایگاهی برای ارزیابی ریسک تکرار جرم

۱. ماده ۱۳ از دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ۱۳۹۵، بر ارزیابی بالینی در مرحله اجرای حکم تأکید دارد: «... رؤسای زندان‌ها موظفند با بررسی اخلاق، حالات و رفتار زندانیان در دوران تحمل حبس، درخواست آزادی مشروط زندانیان واجد شرایط را به اجرای احکام دادسرا ارسال نمایند...»
 ۲. در تبصره ۱ این ماده آمده است که: «زندان‌ها به زندان بسته، نیمه باز، مراکز حرفه آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم می‌شود.»

پیش‌بینی نمود. به علاوه باید مراحل توسل به سنجش‌های ریسک را در نظر گرفت و بر اساس هر مرحله، نوع سنجش و ابزار ریسک را اعمال نمود. در ارزیابی ریسک در مرحله پیش‌دادرسی به دلیل ورود جایگزین‌های تعقیب و حاکمیت اصل سرعت در تحقیقات لازم است توسل به این ابزارها را با اقتضانات خاص مراحل تحقیق و تعقیب به شکل بومی پیش‌بینی کرد.

در مرحله دادرسی و تعیین مجازات اصلاح‌مدار با توجه به اهمیت تعیین پاسخ صحیح و متناسب لازم است که از ابزاری استفاده نمود که دقت در تخمین نتیجه اصلاحی را تضمین نماید. اگر از سوی دادگاه پاسخ اصلاحی تعیین شد، به نظر می‌رسد که حتی مرحله پس از آزادی در نتیجه پاسخ اصلاح‌مدار اجتماعی نیز ابزار ارزیابی به سنجش تغییر رفتار شخص بپردازد. زیرا ارزیابی این سؤال را پاسخ می‌دهد که آیا می‌توان به رغم نقض برخی تعهدات برای بار اول مجدداً نسبت به وی آیا پاسخ اصلاح‌مدار را ادامه داد یا باید نسبت به لغو آن و صدور مجازات اصلی گام برداشت. عمده نویسندگان در حقوق کیفری آمریکا بر این نظرند که ارزیابی ریسک باید برای ایجاد اهداف مناسب به منظور تغییر رفتار بزهکار در دروان پس از حکم، مورد استفاده قرار گیرد.

همچنین در مرحله اجرای مجازات زندان نیز ابزار ارزیابی بسیار کاربرد خواهد داشت چراکه در حین زندان نیز می‌توان انتظار داشت شخص مشمول برخی جایگزین‌های زندان که هدف اصلاحی و کاهش تکرار جرم دارند نیز بشود. به طور کلی نیز می‌توان این پیشنهاد را ارائه نمود که تبیین برخی مؤلفه‌ها نیز می‌تواند باعث تسریع رویه‌های ارزیابی باشد. این مؤلفه‌ها که علاوه بر نوع جرم معیارهای متعدد دیگری نیز در بر دارند باعث می‌شوند که همه بزهکاران به یک اندازه مشمول تدابیر ارزیابی قرار نگیرند و سرعت دادرسی تضمین گردد. بنابراین در این خصوص افتراقی‌سازی ارزیابی ریسک ضرورتی انکارناپذیر دارد؛ سیاستی که ارزیابی ریسک را با توجه به مرحله دادرسی، نوع ابزار ارزیابی، جرم ارتكابی و شخصیت بزهکار متغیر و متفاوت خواهد ساخت. نکته مهم مورد تأکید در این مقاله این است، که معرفی ابزارهای ارزیابی به معنای لزوم حذف ارزیابی‌های بالینی موجود در نظام عدالت کیفری نیست، بلکه این ابزارهای ارزیابی را باید به صورتی تکمیلی و عاملی در جهت افزایش دقت در تصمیمات ناظر به پاسخ‌های اصلاح‌مدار تلقی نمود. چه بسا حتی بتوان در برخی از پرونده‌ها به این نتیجه رسید که صرف مطالعه سوابق و پرونده‌های شخص بسیار مؤثرتر از توسل به ابزارهای ارزیابی آماری از ریسک تکرار جرم بتواند پاسخ‌گو باشد.

شاید اعتقاد جدی قابل طرح این باشد که تصریح به جرایم مهم و ممنوع ساختن کلی بزهکاران از شمول نهادهای اصلاح‌مدار خود عاملی برای جلوگیری از ورود صلاح‌دیدهای متعدد و سلیقه‌گرایی در این مجازات‌ها است و به همین دلیل کلی بودن ابزارهای ارزیابی، امکان گسترده آن‌ها

در اعمال سلیقه‌های مختلف و ناحق در کیفر، خود مانعی برای پذیرش آن‌ها در حقوق ایران تلقی گردد. به همین دلیل می‌توان با رویکردی ترکیبی نسبت به پیش‌بینی این ابزارها اقدام نمود؛ یعنی برخی جرایم مهم را از ارزیابی مستثنا دانست ولی در موارد غیر آن‌ها ارزیابی موضوع عملکرد قرار بگیرد. به عنوان مثال در استثنائات مقرر در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی از ارزیابی استفاده نکرد ولی در موارد مشمول نهادهای ارفاق‌آمیز اصلاح‌مدار آن‌ها را به کار برد.

رفع چالش‌های احتمالی قابل طرح در به رسمت شناختن ابزارهای ارزیابی جزء لاینفک این رویکرد خواهد بود. زیرا در حقوق ایران نظر به اهمیت و تلاش قضات محاکم به منفی نبودن آمار ماهانه خود در رسیدگی‌های کیفری، سرعت در رسیدگی به کاهش احتمال تعیین پاسخ توأم با ارزیابی ریسک منتهی خواهد شد. به همین دلیل راه‌های متعددی چون تلاش در تغییر نگرش و حذف این رویه در محاکم و نیز پالایش پرونده‌ها به منظور جدا نمودن پرونده‌های ویژه نیازمند ارزیابی ریسک و غیره می‌تواند در رفع این چالش مؤثر واقع گردد. استفاده از نتایج ابزارهای نسل چهارم برای ایجاد برنامه‌های موردی فردی از جمله پیشنهاد‌های دیگری است که می‌تواند در خصوص برخی بزهکاران مانند معتادان به مواد مخدر و روان‌گردان مؤثر واقع شود. در خصوص این افراد در حقوق ایران می‌توان با توسل به تعلیق تعقیب مقرر در تبصره ۲ ماده ۱۶ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان ۱۳۸۹ در قالب پاسخی اصلاح‌مدار درمان وی را تضمین نمود. همچنین تقویت زیرساخت‌های عملی اجرایی در جهت توانایی ارزیابی‌های ریسک در طول زمان از جمله پیشنهاد‌های دیگری است که می‌تواند به افزایش کارایی ابزارهای ارزیابی در کاهش تکرار جرم منتهی گردد.

منابع

فارسی

- آقابابایی، حسین (۱۳۹۰)، «امنیت، آزادی شخصی و مدیریت خطر جرایم امنیتی»، در: یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، ضمیمه فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، شماره ۵۶.
- اس. ریگاکاس، جورج (۱۳۹۲)، «جامعه خطر و جرم‌شناسی سنجشی: جنبه‌هایی برای یک گفتمان انتقادی»، ترجمه افشین عبداللهی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار
- او مالی، پاتریک (۱۳۹۰)، «نئولیبرالیسم و خطر در جرم‌شناسی»، ترجمه مهدی برزگر، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال نهم، شماره ۳۰، بهار.
- اُملی، پاتریک (۱۳۹۸)، جرم و ریسک، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- ایرانی، امیر (۱۳۹۸)، جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری رفتار مخاطره‌آمیز، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
- پاکنهاده، امیر (۱۳۹۴)، سیاست جنایی ریسک‌مدار، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- توجهی، علی و حسام ابراهیم‌وند (۱۳۹۶)، «کیفرگذاری و کیفردهی در حوزه سلب آزادی در حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷ و ۷۸، بهار و تابستان.
- جلالی‌ورنامخواستی، محمد (۱۳۸۶)، «ارزیابی خطر در نظام عدالت کیفری»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۱، زمستان.
- حسینی، محمد، زهرا ساعدی و آزاده صادقی (۱۳۹۱)، «نگاهی به تحولات مفهومی و کارکردی در کیفرشناسی نوین»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۶، شماره ۷۹، پاییز.
- رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۹۶)، «حقوق کیفری در سنجه جرم‌شناسی پست مدرن»، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره هشتم، شماره پیاپی ۱۵ (شماره یک این دوره).
- رضوانی، سوادبه (۱۳۹۶)، مفهوم خطرناکی در علوم جنایی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- صادق‌نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۳)، مطالعه جرم‌شناختی جرایم اشخاص حقوقی خصوصی؛ از علت‌شناسی تا پیشگیری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی.
- صیقل، یزدان (۱۳۹۶)، تحلیل حقوقی-جرم‌شناختی جرم در جامعه مخاطره‌آمیز، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی.
- ماری، فلیپ (۱۳۸۳)، «کیفر و مدیریت خطرها؛ به سوی عدالت کیفری محاسبه‌گر در اروپا»، ترجمه حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان.
- مهدوی‌پور، اعظم و نجمه شهرانی کرانی (۱۳۹۳)، «امنیتی شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره پنجم، شماره ۱، تابستان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، «کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو؛ درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.

انگلیسی

- Andrews and James Bonta, (2010) *The Psychology of Criminal Conduct*, 5 ed. (New Providence, NJ: Anderson Publishing.
- Andrews DA, Bonta J (1998) **the psychology of criminal conduct**. Anderson, Cincinnati.
- Andrews DA, Dowden C (2007) The risk-need-responsivity model of assessment and human service in prevention and corrections: crime-prevention jurisprudence. *Can J Criminol Crim Justice* 49:439-464
- Andrews DA, Bonta J, Hoge R (1990) **Classification for effective rehabilitation: rediscovering psychology**. *Crim Justice Behav* 17:19-52
- Andrews DA, Bonta J, Wormith SJ (2006) the recent past and near future of risk and/or need assessment. *Crime Delinq* 52:7-27
- Baird C (2009) **A question of evidence: a critique of risk assessment models used in the justice system**. National Council on Crime and Delinquency, Madison.
- Bloom HS, Singer NM (1979) **Determining the cost-effectiveness of correctional programs: the case of patuxent institution**. *Eval Rev* 3:609-628
- Bonta J (2002) **Offender risk assessment: guidelines for selection and use**. *Crim Justice Behav* 29:355-379
- Bonta J, Wormith SJ (2008) **Risk and need assessment**. In: McIvor G, Raynor P (eds) *Developments in social work with offenders*. Jessica Kingsley, London, pp 131-152
- Borum R, Douglas K (2003) **New directions in violence risk assessment**. *Psychiatr Times* 20(3):102-103
- Cullen, Francis T. and Cheryl Lero Jonson, (2011) "Rehabilitation and Treatment Programs," in **Crime and Public Policy**, ed. James Q. Wilson and Joan Petersilia, 2ed. (New York: Oxford University Press.
- Dawes R, Faust D, Meehl P (1989) **Clinical versus actuarial judgment**. *Science* 31:1668-1674
- Dowden C, Andrews DA (1999) **what works in young offender treatment: a meta-analysis?** *Forum Correct Res* 11:21-24
- Edward J. Latessa and Brian Lovins, (2014) **Risk Assessment, Classification, and Prediction** in: G. Bruinsma, D. Weisburd (eds.), *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*, Springer Science Business Media New York
- Flores AW, Russell, AJ, Latessa, EJ, Travis LF (2005) **Evidence of professionalism or quackery: measuring practitioner awareness of risk/need factors and effective treatment strategies**. *Fed Probat* 69(2):9-14
- Jones DA, Johnson S, Latessa EJ, Travis LF (1999) **Case classification in community corrections: preliminary findings from a National Survey**, Topics in community corrections. National Institute of Corrections, U.S. Department of Justice, Washington, DC
- Kemshall, Hazel, (2003) **Understanding risk in criminal justice**, Open University Press.
- Latessa EJ (2004) **Best practices of classification and assessment**. *J Commun Correct* X11(2; winter 2003-2004):27-30

- Latessa EJ, Lowenkamp CT (2005a) **what are criminogenic needs and why are they important**. For the record (fourth quarter): 15-16
- Latessa EJ, Lowenkamp CT (2005b) **the role of offender risk assessment tools and how to select them**. For the record (fourth quarter): 18-20
- Latessa E, Brusman L, Smith P (2010) Follow-up evaluation of Ohio's community based correctional facility and halfway house programs. Center for Criminal Justice Research, Cincinnati
- Lero Jonson, Cheryl (2010) **The Impact of Imprisonment on Reoffending: A Meta-Analysis**, A dissertation submitted to the Division of Research and Advanced Studies of the University of Cincinnati.
- Lowenkamp CT, Latessa EJ (2004) **Understanding the risk principle: how and why correctional interventions can harm low-risk offenders**, Topics in community corrections. National Institute of Corrections, U.S. Department of Justice, Washington, DC, pp 3-8
- Lowenkamp CT, Latessa EJ (2005) **Increasing the effectiveness of correctional programming through the risk principle: identifying offenders for residential placement**. Criminol Public Policy 2(4):15-24
- Lowenkamp CT, Latessa EJ, Holsinger A (2006) **The risk principle in action: what we have learned from 13,676 offenders and 97 correctional programs**. Crime Delinq 52(1):1-17 Malenchik v. State of Indiana, No. 79S02-0908-CR-365 (Ind., 2010)
- Pamela M Casey, Roger K. Warren, and Jennifer K. Elek, (2011) **Using Offender Risk and Needs Assessment Information at Sentencing: Guidance for Courts from a National Working Group**, National Center for State Courts, Williamsburg.
- VA, Taxman, Faye S and April Pattavina (Ed) (2013), **Simulation Strategies to Reduce Recidivism, Risk Need Responsivity (RNR) Modeling for the Criminal Justice System**, Springer Science + Business Media New York.
- Vera Institute of Justice's Center of Sentencing and Corrections, Risk and Needs Assessment, memorandum to the Delaware Justice Reinvestment Task Force, October 12, 2011, pp. 9-12.
- Vincent G, Terry A, Maney S (2009) **Risk/needs tools for antisocial behavior and violence among youthful populations**. In: Andrade J (Ed) Handbook of violence risk assessment and treatment: new approaches for forensic mental health practitioners. Springer, New York, pp 377-423.